



ممیزی؛ سلیقه یا قانون

اکرم محمدی

تاریخچه ممیزی در ایران



ورود نخستین دستگاه سینماتوگراف به ایران در سال ۱۲۷۹ هجری خورشیدی توسط مظفرالدین شاه صورت گرفت و این اتفاق، عملاً سرآغازی برای سینمای ایران شد. نخستین سالن سینمایی ایران هم در سال ۱۲۷۹ یعنی ۵ سال پس از اختراع جهانی آن توسط برادران لومیر، در تبریز آغاز به کار کرد. از سال ۱۲۸۳ نمایش عمومی فیلم در تهران، توسط بانی آن میرزا ابراهیم صحاف‌باشی، آغاز شد و این نشانگر علاقه و توجه ایرانیان به فیلم و سینما است.

چند دهه بعد لایحه نمایش‌ها و سینماها در بلدیة تهران تهیه و تنظیم شد. چند سال بعد هم وزارت داخله طبق آیین‌نامه و موادی مسئولیت رسیدگی به امور تولید و صدور پروانه نمایش فیلم‌ها را به اداره کل شهر بانی داد. سه سال بعد از این تفویض مسئولیت، در وزارت کشور (داخله سابق) دایره‌ای ویژه به اسم اداره نمایشات، تاسیس شد تا ناظر سینمای ایران باشد. پس از دوره کوتاهی این مسئولیت بر عهده اداره تبلیغات وزارت کار افتاد که با مخالفت وزارت کشور مواجه شده دوباره مجلس شورای ملی رسیدگی به امور فیلم و نمایش را به وزارت کشور داد. در ادامه اداره نمایش وزارت داخله شروع به کار کرد. در اوایل دهه ۴۰ با موافقت وزارت کشور و وزارت فرهنگ و هنر، اختیارات اداره نمایش وزارت کشور، به وزارت فرهنگ و هنر تفویض شد و با نام اداره کل نظارت و نمایش فعالیت خود را شروع کرد. اما نخستین کسانی که به ممیزی فیلم‌ها اقدام کردند کسانی بودند که نوشته‌های فیلم‌های صامت را قرائت می‌کردند. یعنی از همان ابتدای ورود فیلم و سینما به ایران، گروه هنر با ممیزی روبه‌رو شد و به این ترتیب از سال ۱۲۸۳ با آغاز نمایش همگانی فیلم در تهران به وسیله میرزا ابراهیم صحاف‌باشی، سانسور و ممیزی هم در فیلم و سینما آغاز شد. سینما داران از قرائت کنندگان می‌خواستند تا در ترجمه و خواندن میان تیتراژها، عرف جامعه ایرانی آن روز را لحاظ کنند و در صورت لزوم با توضیح خودشان، تغییراتی را در محتوای فیلم‌ها داشته باشند تا

ممیزی در سینما و تلویزیون، همیشه یکی از چالش‌هایی بوده که سینماگران و برنامه‌سازان با آن درگیر بوده‌اند و این مسئله تا امروز ادامه دارد. ممیزی یا همان سانسور به دولت، مسئول یا طیفی خاص مربوط نمی‌شود. عمر ممیزی در سینما و تلویزیون، به اندازه عمر حضور رسانه‌هاست. البته در همه جای دنیا، این سانسور ها اعمال می‌شود اما بنا بر تعاریفی که در فرهنگ و نظام رسانه و تبلیغات هر کشور، شدت و ضعف دارد و متفاوت است و برخی به همین دلیل آن را نوعی اعمال سلیقه از سوی مسئولان نظارت سینمایی و تلویزیونی می‌دانند اما واقعیت این است که تعریف سینما و مخاطبان آن با تعریف تلویزیون و مخاطبان آن با هم متفاوت است و به همین دلیل هم نوع ممیزی‌های آنان هم با یکدیگر فرق می‌کند و همین مسئله موجب می‌شود تا هر از گاهی چالش‌هایی ایجاد شده و برخی از فیلم‌ها و سریال‌ها، ممیزی شوند اما در بسیاری از موارد این زمان است که برای برخی از کارها تعیین کننده می‌شود و گاه مشکلات یک اثر را حل می‌کند و گاه برای عوامل یک اثر هنری، به یک زخم کهنه فراموش‌نشده تبدیل می‌شود و گاه یک فیلم، هیچ وقت امکان نمایش پیدا نمی‌کند.

فیلم با سلیقه و پسند تماشاگر ایرانی همخوانی داشته باشد. این وضعیت بعد از دوران قاجار هم ادامه پیدا کرد. در سال‌های ابتدایی حکومت رضاشاه، مطبوعات، درخواست‌های مکرری از حکومت و مسئولان مرتبط در این بخش، مبنی بر ایجاد سانسور و نظارت بر فیلم‌ها داشتند. این مطالبات بیشتر در زمینه حذف صحنه‌های غیر اخلاقی بود تا جایی که در سال ۱۳۰۹ بنا بر فشار مطبوعات، برای نخستین بار مقررات و آیین‌نامه‌هایی رسمی برای نمایش فیلم‌ها تصویب شد. لایحه نمایش‌ها و سینماها را بلدیة تهران تهیه و تنظیم کرد، آن را به وزارت داخله داد و در هیئت وزیران تصویب شد. در این لایحه، بخش سینماها ۶ ماده داشت که مواد ۳ و ۴ آن مربوط به نظارت و ارزیابی فیلم‌پیش از اکران است. مطابق این دو ماده، مدیران سینماها برای نمایش فیلم باید اجازه نامه دریافت کنند. فیلم‌ها باید در ابتدا برای نماینده شهرداری نشان داده شود. صحنه‌هایی که منافی با اخلاق و عفاف باشد حذف و بعد برای بقیه فیلم مجوز نمایش صادر می‌شود. ساخت نخستین فیلم ناطق ایرانی به نام "دختر لر" به کارگردانی عبدالحسین سینتا، نخستین مورد سانسور در سینمای ایران محسوب می‌شود. این فیلم داستان یک زوج ایرانی است که از ایران ناامن زمان مشروطه به هند پناه می‌برند. با فشار مستقیم دربار، در انتهای فیلم ساخته شده، جعفر و گلنار به ایران باز می‌گردند و دلیل بازگشت آنها به ایران هم در میان نویس پایانی فیلم "امنیت دوران رضاشاه" عنوان می‌شود. اما نظارت و ممیزی از سال ۱۳۲۹ با تصویب آیین‌نامه‌ای، رسمی شد و در ماده ۵۰ این آیین‌نامه آمده است که هیچ‌گونه فیلمی اعم از فیلم‌های تربیتی، ورزشی، تفریحی، علمی، اختیاری، اخباری، تجاری و غیره را نمی‌توان در هیچ یک از سینماها و اماکن عمومی محل اجتماعات دیگر و تلویزیون و یا وسیله دیگری به معرض نمایش گذاشت. البته هدف اصلی از صدور و اعلام این آیین‌نامه، نظارت بر ساخت و نمایش فیلم‌ها بود که دولت وقت از طرح برخی از مسائل در فیلم‌ها و نمایش آنها بیم و هراس داشت. مگر این که